

بررسی اعجاز تاریخی قرآن از نگاه زغلول النجار*

حسین شیرافکن** و علی اکبر حبیبی مهر***

چکیده

از عرصه‌های مهم، در اعجاز علمی قرآن، آشنایی با افرادی است که سالیان درازی در این حوزه علوم کوشیده‌اند یکی از این افراد، آقای دکتر زغلول راغب محمد النجار است که در سال ۱۹۳۳ میلادی برابر با ۱۳۱۲ خورشیدی دیده به جهان گشود از آثار بنانی ایشان ۴۵ عنوان کتاب است که تقریباً سه چهارم این کتاب‌ها در عرصه کتاب‌های علمی - قرآنی و حدیثی می‌باشد و افزون بر آن، محور بسیاری از ۴۵۹ مقاله ایشان، مباحث علمی قرآن و حدیث است. دستاورد این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی و تکیه بر منابع کتابخانه‌ای عبارتند از: نخست در تعریفی که می‌توان از سخنان ایشان درباره تعریف اعجاز علمی اصطیاد کرد پنج قید وجود دارد. دوم آنکه ایشان مانند هر مفسر دیگری دارای مبانی عام تفسیری مانند: وحیانی بودن الفاظ قرآن، مصونیت قرآن از تحریف و ... و مبانی خاص مانند: فرا عرفی بودن زبان قرآن، هم‌سویی کامل علم و قرآن در بیان اطلاعات هستی‌شناختی و ... هستند. سه دیگر، پاره‌ای از ضوابطی که ایشان در تفسیر علمی پایبندند عبارتست از: بهره بردن مفسر از حقایق قطعی و ثابت شده در راستای تفسیر علمی، به کار نبردن فرضیه‌ها و نظریه‌ها برای فهم گزاره‌های علمی قرآن و ... چهارم مصادیق ۶۹ مقاله که در فهرست اعجاز تاریخی در سایت ایشان برآمده را می‌توان در سه بخش مصادیق قابل پذیرش؛ مصادیق نقدپذیر و مصادیق قابل تردید نشانید و برای هر یک مثال‌هایی ارائه نمود.

واژگان کلیدی: قرآن، اعجاز، تاریخ، اعجاز تاریخی، زغلول النجار.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۵ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۴/۲.

** دانشجویار جامعه المصطفی العالمیه: shirafkan43@gmail.com.

*** دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی (نویسنده مسئول): aliakbarhabibiyimehr@gmail.com.

مقدمه

یکی از عرصه‌های مهم در اعجاز علمی قرآن، آشنایی با کسانی است که سالیان دراز در این عرصه تلاش و کوشش نموده و با بیان و بنان درصدد اثبات اعجاز علمی قرآن برآمده‌اند. اینان که با ارائه صدها کتاب، مقاله و سخنرانی قدمی سترگ در اثبات معجزه بودن کلام‌الله برداشتند، باید با زندگی‌نامه و تفکراتشان آشنا شد و درصدد تحلیل آراء و نظریاتشان برآمد و سره سخنانشان را از ناسره جدا نمود.

یکی از شخصیت‌هایی که سالیان درازی در مباحث قرآن و علوم به طور جدی فعالیت می‌نماید دکتر زغلول راغب محمد النجار است. ایشان صدها کتاب و مقاله داشته و در رسانه‌ها و گردهمایی‌های بسیاری ایراد سخن نموده است، البته راه دسترسی نگارنده به آثار بیانی و بنانی ایشان، پایگاه اینترنتی او به آدرس www.elnaggarzr.com است.

در برخی کتاب‌ها (رضایی اصفهانی، علوم قرآن ۲ اعجاز قرآن در علوم طبیعی و انسانی، ۱۳۹۲: ۱۹۱) و مقالات (همت بناری و ناظمی، بررسی و تحلیل پژوهش‌های اعجاز تربیتی قرآن، ۱۳۹۵: ۴۷) بسیار کوتاه به زندگی‌نامه ایشان یا ابعادی از اعجاز از منظر ایشان مانند اعجاز تربیتی پرداخته شده است لیکن جستار پیش‌روی درصدد است که کمی گستره به زندگی‌نامه ایشان به ویژه معرفی آثار علمی اش بپردازد، سپس تعریف اعجاز علمی را از منظر او ارائه داده و مبانی و ضوابط تفسیر علمی و اعجاز علمی را از دریچه نگاه زغلول تبیین نماید و به جهت اهمیت شایان مباحث تاریخی، تمرکز خود را بر مصادیقی گذارد که از دیدگاه دکتر می‌توان آنها را با عنوان «الاعجاز تاریخی» معرفی نمود و سپس این مصادیق را بررسی و نقد نماید.

زیست‌نامه زغلول نجار

زغلول راغب محمد النجار، در هفدهم نوامبر ۱۹۳۳ میلادی برابر با ۲۶ آبان سال ۱۳۱۲ خورشیدی به دنیا آمد (www.mawdoo3.com) او در خانواده‌ای مسلمان و قرآنی رشد نمود در نه سالگی به همراه پدر رهسپار بزرگ‌ترین شهر جهان عرب یعنی قاهره می‌شود و از پدرش که از حافظان برجسته بوده، تاثیر پذیرفته و در کودکی حافظ تمام قرآن می‌شود. در قاهره پس از گذراندن دوره ابتدایی در چهار سال، به دانشکده شهر «شبرا» - یکی از شهرهای قاهره - می‌پیوندد و در ردیف اولین فارغ التحصیلان این مرکز قرار می‌گیرد. در همین هنگام، در امتحانی که رخ می‌دهد برتری اش بر استادش روشن شده و کرسی استادی را ناخواسته

می‌رباید. سپس زغلول به دانشکده العلوم در دانشگاه «جامعه القاهرة» رهسپار می‌شود و افتتاح رشته جدید «الجيولوجيا = زمین‌شناسی» را به انجام رسانده و خود در آن رشته لیسانس می‌گیرد (سایت وكالة الأنباء القرآنية الدولية، عنوان «بالصور.. فی یوم میلاد «النجار»... مسيرة عامرة باعجازات القرآن العلمية»). در ادامه حیات علمی، ایشان موفق به دریافت مدرک کارشناسی ارشد در دانشگاه ولز بریتانیا می‌شود و در لیست اولین اساتیدی قرار می‌گیرد که قرار است به جامعة الملك سعود پیوندند.^[1] لیک ایشان تحصیل در رشته زمین‌شناسی را وائمی‌گذارد و موفق به اخذ درجه دکتری در سال ۱۹۶۳ میلادی از دانشگاه ولز انگلستان شده (همان) و سپس به درجه استادی می‌رسد (www.elnaggarzr.com/pg/2767/%D9%). گفتنی است که بعداً برخی از دانشگاه‌ها مانند دانشگاه علوم اسلامی مالزی به ایشان دکترای افتخاری در رشته علوم قرآن و سنت می‌دهد (www.elnaggarzr.com/catpg/30/.html).

ایشان که عضو بسیاری از محافل علمی در کشورهای مختلف در دنیا بوده (www.elnaggarzr.com/catpg/30/.html)، بیش از ۳۵ پایان‌نامه و رساله دکتری زیر نظر وی به بار نشسته است (سایت وكالة الأنباء القرآنية الدولية، عنوان «بالصور.. فی یوم میلاد «النجار»... مسيرة عامرة باعجازات القرآن العلمية»). او در نشر اعجاز علمی در قرآن و سنت بسیار کوشیده و گویا ۱۶۰ برنامه تلویزیونی در این رابطه، نمودار گوشه‌ای از فعالیت‌هایش به شمار می‌رود (www.elnaggarzr.com/catpg/vid/.html).

ایشان فعالیت‌های گوناگون علمی‌اش را تا هم‌اکنون که در ۸۵ سالگی به سر می‌برد ترک ننموده و جدی دنبال می‌کند که در ادامه نوشتار به معرفی آنها پرداخته می‌شود.

۱. آثار علمی

دکتر زغلول النجار یکی از عالمان و اندیشمندان پرکار و دارای آثار قلمی بسیاری است، وی توانایی‌های علمی و فکری خود را به صورت بیان و بنان بروز می‌دهد که نمونه‌ای از فعالیت‌های بیانی ایشان برنامه‌های رادیویی (موقع فضیلت الدكتور زغلول النجار، حلقات اذاعية)، تلویزیونی (همان، برامج تليفزيونية) و سخنرانی‌های گوناگون ایشان در مساجد مختلف مانند مسجد حضرت خدیجه، مسجد عبدالحمید بن بادیس و... است (همان، اخبار الدكتور) در این مجال شایسته است به معرفی اجمالی آثار بنانی ایشان پرداخته شود.

الف) کتاب‌ها

ایشان ۴۵ عنوان کتاب به نگارش درآورده‌اند^[۲] که بر اساس عناوینشان می‌توان به شرح ذیل تقسیم نمود:

۱. کتاب‌های علمی - قرآنی و حدیثی

کتاب‌های علمی - قرآنی و حدیثی، عنوان عامی است که موارد زیادی را شامل می‌شود. ۱. کتابی که در آنها سخن از اعجاز علمی قرآن و سنت از وجوه گوناگون و ضوابط تعامل با آنهاست مانند: «الاعجاز العلمی و الاجتماعی»، «کتاب الاعجاز الإنبانی و التاریخی فی القرآن الکریم»، «الاعجاز العلمی فی السنة النبویة»، «من آیات الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم» و «قضیة الأعجاز العلمی للقرآن و ضوابط التعامل معها» و

۲. کتاب‌هایی که در آنها از حقایق علمی قرآن سخن رفته است مانند: «حقائق علمیه فی القرآن الکریم»، «النبات فی القرآن الکریم»، «الحویوان فی القرآن الکریم»، «الارض فی القرآن الکریم»، «المفهوم العلمی للجبال فی القرآن الکریم»، «الزلازل فی القرآن الکریم» و

۳. کتابی که به تطبیق چهره حضرت مسیح در قرآن و اناجیل می‌پردازد عنوان کتاب «المسیح بین القرآن و الإنجیل» که در اصل تالیف دکتر محمد وصفی است؛ توسط زغلول، نصوصش مورد تحقیق قرار گرفته و به گونه‌ای تکمیل و اصلاح شده است.

۴. کتاب‌هایی که به تفسیر آیات خاصی از قرآن پرداخته است که در راستای همان محور سخن یعنی علمی - قرآنی است به عنوان مثال ایشان در چهار جلد کتاب «تفسیر الآیات الکوئیة فی القرآن الکریم» به تفسیر آیات خاصی از سوره‌های بقره تا قارعه می‌پردازد به عنوان نمونه آیه ششم آل عمران را وامی‌کاود که در کیفیت صورت‌گیری انسان در رحم است.

۵. کتابی که ایشان کوشیده که در آنها رنگ علمیت قرآن را واضح‌تر نشان دهد مانند: «مصارع الظالمین فی القرآن الکریم» و... که در این کتاب ایشان بر این باور است که ورود قرآن به موضوع امت‌های پیشین و تفصیل بین آنچه بین آنها و پیامبرانشان گذر کرد و سرانجام کارشان در دنیا و عقبی و... در ۱۴ قرن قبل بر زبان پیامبری درس ناخوانده و در میان امتی بی‌سواد و... همه نشان از این دارد که قرآن، وحی الهی و از جانب معبود است.

دو. کتاب‌های سیاسی

به نظر می‌رسد چهره دیگر زغلول را باید فردی سیاس دانست شخصی که به خاطر گرایشات سیاسی، نتوانست به کرسی تدریس دانشگاه جامعه الملک عربستان سعودی تکیه بزند (سایت وكالة الأنباء القرآنية الدولية، عنوان «بالصور.. فی یوم میلاد «النجار» ... مسیره عامرة بإعجازات القرآن العلمية») و صد البته می‌توان بازتاب قسمتی از این بُعد شخصیتی او را در پاره‌ای از کتاب‌هایش ملاحظه نمود.

دکتر زغلول النجار را می‌توان از مدافعان جدی فلسطین در جریان اشغال سرزمینشان توسط یهودی‌ها و خواستار آزادی قدس دانست (www.elnaggarzr.com) و هم‌چنین او از تحلیل‌گران واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی و از طرف‌داران انقلاب مصر و خط‌دهندگان پیمودن راه درست در انقلاب مصر توسط انقلابیان است. ایشان بسیار نگران آثار سیاسی، غیرسیاسی و عقب-ماندگی مسلمانان در آینده به شمار می‌رود. این کتاب‌ها عبارتند از: «الفلسطین... لمن؟» کتاب «فلسطین برای کیست؟» به کالبدشکافی و ریشه‌یابی این باور غلط برخی از یهودیان رفته که فلسطین را سرزمینی می‌دانند که خداوند براساس اسفار عهد قدیم به آنها بخشیده است و آشکار نموده که آنان در این برداشت خود، کتاب تورات را دست‌کاری نموده‌اند. ضمن این‌که به پاره‌ای از باورهای یهودیان نیز پرداخته است ایشان نیز بر این باور است که قدرت رسانه در جهان امروز در دست یهودیان است و آنان درصدد نابودی اندک انسانیت به جا مانده به طور عمومی و اسلام به طور خصوصی هستند (www.elnaggarzr.com).

دکتر زغلول در کتاب «الموامرة» بر این باور است که بشر توطئه‌ای خطرناک‌تر و خبیث‌تر از دسیسه‌ای که یهودیان در اشغال فلسطین طرح‌ریزی نموده، به خود ندیده است. توافق پنهانی که پشتیبان آن از بیرون، انگلستان، فرانسه، ایتالیا و آمریکا بوده و از درون، خاخام‌های یهودی هستند که بر این پایه حتی از تحریف تورات روی‌گردان نبودند.

ایشان در کتاب «قارعة سبتمبر» به پیامدهای اتفاق ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی و برخورد دو هواپیما به برج‌های دوقلو می‌پردازد و در کتاب «الاسلام و الغرب» تلاش می‌کند که سنگری در برابر اتهام‌های ادعاهای بی‌پایه غرب در بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ درست کند و ادعاهای آنان را مبنی بر نقش مسلمانان در این جریان و... تحلیل نموده و پاسخ گوید.

زغلول نجار در کتاب «میدان التحریر؛ التحولات فی مصر بین جذور الماضی و آفاق المستقبل» خلاصه‌وار روزهای انقلاب مردم مصر علیه مبارک را به تصویر کشانده و در اهم نتایج آن بحث نموده و افق‌های آینده را به بحث می‌نشیند و کتاب «قضیة التخلف العلمی و التقنی فی العالم الاسلامی» در پی دغدغه‌های سیاسی و غیرسیاسی که به روند ادامه عقب‌ماندگی مسلمانان داشته، به نگارش درآورده است.

سه. کتاب‌های تخصصی

رشته تخصصی دکتر زغلول نجار زمین‌شناسی است، از این‌رو طبیعی است که برخی از تالیفاتشان در راستای تخصص‌شان باشد بنابراین ایشان به سوالاتی در این رابطه پاسخ داده است مانند: این‌که زمین به چه شکلی بوده و از چه حجمی برخوردار است؟ محتوای سنگ‌ها، صخره‌ها و ... چیست؟ علل پیدایش آنها، نحوه اثرگذاری و اثرپذیری‌شان و... به چه کیفیت است؟ که از جمله این کتاب‌ها می‌توان به کتاب «علوم الارض فی الحضارة الاسلامیة» اشاره کرد. در پایان این بخش یادآوری این نکته شایسته است که دکتر زغلول نجار کتابی با عنوان «خواطر... فی معیة خاتم الانبیاء والمرسلین محمد ﷺ» به رشته تحریر درآورده است که در هیچ یک از عناوین بالا قرار نمی‌گیرد او در این کتاب به بیان سیره پیامبر اکرم ﷺ می‌پردازد.

ب) مقالات

در سایت ایشان ذیل عنوان «مقالات»، ۴۵۹ مقاله وجود دارد که موضوع ۴۲۵ عنوان از این تعداد، یک آیه یا چند آیه است.^{[۳]-[۴]} به این گونه که یک آیه را محل بحث قرار داده و درباره‌اش شروع به نگارش می‌کند همان‌گونه که موضوع برخی از مقالاتشان (منظور ۳۴ مقاله دیگرش است) پیرامون یک حدیث می‌چرخد مانند: «ارض العرب مروجاً و انهاراً» که درباره این روایت بررسی شده از پیامبر «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ ... حَتَّى تَعُودَ اَرْضُ الْعَرَبِ مُرُوجًا وَّ اَنْهَارًا» است (مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ۱۴۱۲: ۷۰۱/۲؛ ابن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ۱۴۱۶: ۱۴/۴۲۷) توسط ایشان به نگارش درآمده است.

۲۳۴

در این ۴۲۵ مقاله، ۴۷۸ آیه محل بحث قرار گرفته است البته نباید غفلت نمود که عناوین پاره‌ای از این مقالات تکراری است مانند عنوان مقاله «اول بیت وضع للناس»؛ ۵ بار تکرار شده است.^[۵]

دو محور اصلی ۳۲ مقاله از ۳۴ مقاله دیگر ایشان پیامبر اکرم ﷺ و مسائل مربوط به ایشان و موضوعات مرتبط به قرآن و حدیث است مانند: «دروس مستفاده من هجرة رسول الله»، «رد الدكتور زغلول النجار على الفيلم المسمى للرسول»، «أثر الترجمة فى التعريف بالقيم الحضارية و العلمية للقرآن الكريم»، «السواك» و ... گفتنی است که دو مقاله دیگر، یکی از آن دو متن سخنرانی ایشان در دانشگاه مالزی بوده و دیگری موضوعش سیاسی با عنوان «کلمة حق» است.

در جمع‌بندی باید خاطر نشان نمود که آقای دکتر زغلول نجار - براساس مقالاتی که نگاشته - بیشتر در دشتستان قرآن قلم زده و به حدیث کمتر توجه نموده است.

تعریف اعجاز علمی از منظر زغلول نجار

دکتر زغلول نجار، بهترین ارمغان امروزه به بشریت را، اعجاز علمی قرآن می‌داند (www.elnaggarzr.com/pg/191/.html) و بر این باور رفته است که بیشتر آیاتی که سخن از اعجاز علمی دارند به شکل توصیفی در قرآن آمده‌اند (www.elnaggarzr.com/pg/398/.html)
لیک به ارائه تعریفی جامع از اعجاز علمی قرآن پرداخته است از این رو ما با کنار هم نهادن سخنان پراکنده ایشان که به صورت ضمنی قیدی از تعریف اعجاز علمی که مد نظرشان بوده را بیان نموده، به تعریف ذیل دست یافتیم.

مراد از اعجاز علمی قرآن، آن دسته از آیاتی است که حقیقتی از حقایق هستی (www.elnaggarzr.com/pg/191/.html) یا نظریه‌ای مقبول همگان را (www.elnaggarzr.com/pg/398/.html)، بازگو نماید که باید آن مطلب علمی در زمان نزول کشف نشده باشد و قرآن پیش از علم، آن مطلب را در قالب دلالت الفاظ در لغت عرب (نه تاویل ظواهر) بیان نموده باشد (www.elnaggarzr.com/pg/191/.html) و بشر در پرتو معارف امروزه (یا چند قرن قبل) پس از صدها سال آن گزاره علمی را توسط علم تجربی ثابت کند و اکنون به عنوان یک حقیقت علمی یا یک نظریه پذیرفته شده در علم (هر چند قانون نشده) تلقی شود (www.elnaggarzr.com/pg/398/.html). بنابراین باید در این سبقت‌گیری، معجزه‌ای صورت گیرد یعنی خرق سُننی اتفاق افتد. زیرا اصل در معجزه به نظر ایشان خرق سنن، است (www.elnaggarzr.com/pg/346/.html).

بنابراین از منظر دکتر زغلول النجار، آمدن مطلبی علمی با ویژگی‌های پیش‌گفته، از سوی پیامبری اُمّی، در محیط منحن آن روزگار، خرق سنت‌های جاری هستی بوده و می‌توان بر آن نام معجزه گذارد.

۱. مبانی

مراد از مبانی تفسیری، همان باورها و اصول پذیرفته شده و مسلّم نزد مفسّر است، که در فرایند تفسیر وی، ایفای نقش می‌کند و پذیرش یا عدم پذیرش آنها، سبب رویکرد خاص در تفسیر می‌گردد (سخنی و پهلوان، «بررسی مبانی تفسیر قرآن کریم از دیدگاه امام محمد باقر (علیه السلام)»، ۱۳۹۱: ۱۳۹).

دکتر زغلول النجار مانند هر مفسر دیگری در راستای تفسیر آیات قرآن، دارای مبانی هستند لیکن ایشان در هیچ یک از سخنان یا نوشته‌هایشان به شکل منقح و جداگانه به بیان مبانی‌شان پرداخته‌اند، ولی با دیدن مقاله‌های گونه‌گون ایشان می‌توان پاره‌ای از مبانی ایشان را اصطیاد نمود. از مبانی عام تفسیری ایشان می‌توان به وحیانی بودن الفاظ و معانی قرآن (www.elnaggarzr.com/pg/2975/.html)، مصونیت قرآن از تحریف لفظی (نه معنوی که تأویلات و تفسیرات ناب‌ه‌جا فرقه‌های مختلف را بر آن راه یافته می‌دانند) (www.elnaggarzr.com/pg/398/.html)، عدم اختلاف و تناقض قرآن با کتاب هستی به عبارت دیگر عدم اختلاف و تناقض بیرونی قرآن (www.elnaggarzr.com/pg/398/.html)^[۶]، امکان و جواز فهم و تفسیر قرآن و عدم توقف آن به فهم پیشینیان (www.elnaggarzr.com/pg/398/.html)، روا بودن اجتهاد در تفسیر قرآن (www.elnaggarzr.com/pg/398/.html) و توجه نمودن و به کار نگرفتن اسرائیلیات در تفسیر آیات (www.elnaggarzr.com/pg/331/.html). استفاده محتاطانه از روایاتی غیر مرفوع به پیامبر ﷺ در تفسیر آیات قرآن (به عنوان نمونه ر.ک: روایت سعید بن جبیر در عذاب‌های گوناگون فرعونیان (طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۲: ۲۳/۹) (www.elnaggarzr.com/pg/398/.html) و کتاب هدایت بودن قرآن (www.elnaggarzr.com/pg/398/.html) اشاره نمود.

پاره‌ای از مبانی خاص تفسیر علمی که ایشان بر آن باور دارد^[۷] عبارتند از: اشتراک قلمرو قرآن و علم در برخی از مباحث، پرداختن استطرادی قرآن به علم زیرا که هدف اصلی قرآن

هدایت بشر است؛ هم‌سویی کامل قرآن و علم در بیان اطلاعات هستی‌شناختی
 (www.elnaggarzr.com/pg/398/.html)، مطالبه قرآن از عالمان که اعجاز علمی قرآن را به
 اثبات برسانند (www.elnaggarzr.com/pg/398/.html)، واقع‌نما بودن زبان قرآن در برابر صرف
 انگیزشی بودن آیات قرآن یا حمل بر مجاز و غیره (www.elnaggarzr.com/pg/191/.html)،
 فراعرفی بودن زبان قرآن که ایشان از آن به اعظم جوانب اعجاز یاد می‌کنند
 (www.elnaggarzr.com/pg/398/.html) به این معنا که ریخته‌گری آموزه‌های علمی قرآن
 معجزه‌گونه است به گونه‌ای که مردمان هر عصری (مردمان عصر نزول و مردمان پس از آنان)
 از این آیات در راستای ایجاد اشیاء، ظواهر آن، فنا آن و ... معنایی را درخور آن زمان می‌فهمند.
 لیک از آن‌رو که این معانی به گونه‌ای بیان شده که با واقعیت هستی تطابق داشته و علاوه بر آن
 محدودیت‌های هر عصر نیز لحاظ شده است لذا با توسعه یافتن دایره اطلاعات بشر، معانی
 جدیدی نیز از قرآن فهمیده می‌شود.

۲. ضوابط تفسیر علمی و اعجاز علمی

ایشان در برخی از مقاله‌هایشان پاره‌ای از ضوابط را بیان کرده‌اند که برخی از آنچه پیدا شد
 عبارتند از:

یک. مفسر باید از حقایق قطعی و ثابت شده در راستای تفسیر علمی بهره‌بردار حقایقی که
 هیچ احتمال برگشتی در آنها وجود ندارد (www.elnaggarzr.com/pg/191/.html).
 دو. نباید فرضیه‌ها و نظریه‌ها برای فهمیدن گزاره‌های علمی قرآن به خدمت گرفته شود
 (www.elnaggarzr.com/pg/394/.html).^[۸]

سه. مفسر باید از استخراج تمام جزئیات علوم از ظواهر قرآن بپرهیزد
 (www.elnaggarzr.com/pg/398/.html).

چهار. در اعجاز علمی بر این باورند که کسی قبل از قرآن نباید آن مطلب علمی را گفته
 باشد (www.elnaggarzr.com/pg/398/.html).

به نظر می‌رسد در بررسی این ضوابط باید بر این باور بود که تنها استثنای دو ضابطه اول
 قابل پذیرش نیست زیرا، در طول تاریخ تئوری‌هایی بودند که صدها سال به شکل یک نظریه
 پذیرفته شده و مسلم فرض می‌شدند لیک بعد از گذشته سالیان دراز، خطا بودن آن بر همگان

روشن شده‌اند. برای نمونه می‌توان به هیئت بطلمیوسی در دانش اخترشناسی و کیهان‌شناسی اشاره نمود که به مدت ۱۳۰۰ سال تنها نظریه مسلم در جهان قلمداد می‌شد (سایت دانشنامه رشد، عنوان «نظریه مرکزیت زمین بطلمیوس»). ولی کپرنیک (د ۱۵۴۳م) و بعد از او یوهانس کپلر (د ۱۶۳۰م) به این نظریه مهر باطل زدند (www.cgie.org.ir/fa/publication/entryview/7858). بنابراین اصلاً بعید نیست که نظریه‌های مسلم امروزه، در روزگار دیگری به هیچ وجه قابل پذیرش نباشد. بنابراین باید در این راستا، تنها بر حقایق قطعی و یافته‌های اطمینان‌آور تکیه نمود تا نظریه‌ها و تئوری‌ها، هر چند که مورد پذیرش همگان هم باشد.

۳. مفسران و اعجاز علمی قرآن از نظر زغلول نجار

از نظر ایشان مفسران نسبت به تفسیر علمی اعجاز قرآن را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: گروه اول کسانی هستند که بر این باور رفته‌اند که اشاره‌های علمی که در قرآن آمده، لذا آنها موضوعیت دارد. و براساس آیات ۳۸ انعام و ۸۹ نحل به دنبال تطبیق تمام حقایق علمی بر قرآن برآمده‌اند. گروه دوم کسانی هستند که نسبت به تفسیر علمی سخت موضع گرفتند و آن را ممنوع دانسته‌اند، اینان بر این باورند که ما باید به تلاش‌های مفسران پیشین بسنده نموده و نسبت به فهم قرآن به سخنان آنها متوقف شویم. آقای دکتر زغلول النجار، ادله ایشان را مفصل آورده و آنها را رد می‌کند. گروه سوم کسانی هستند که با وجود این‌که باور دارند که اصل و اساس در قرآن، کتاب هدایت است و خداوند در راستای هدایت انسان‌ها، به آیات و قوانینی در هستی اشاره نموده است، لیک چون خالق تکوین و تشریح یکی بوده و داناترین موجود به قوانین و سُنن هستی خود خداوند است از این‌رو بر مفسران آشنا به دو حوزه تفسیر و علم واجب است در همین اشاره‌های علمی مطالعه کنند تا با اثبات اعجاز علمی قرآن، خدمات شایان به قرآن و انسانیت نمایند (www.elnaggarzr.com/pg/398/.html).

زیرا از نظر ایشان اثبات اعجاز علمی قرآن باعث می‌گردد که ایمان مومنان، استوارتر گردیده و اتهام‌های افترا زندگان، باطل گردد. هم‌چنین کافران و مشرکان تشویق می‌شوند که اسلام آورند و حقیقت استوار کلام خدا بودن قرآن، بیش از پیش تثبیت شود (www.elnaggarzr.com/pg/398/.html).

در این مجال شایسته است که به کشش و کوشش‌های زغلول نجار در اعجاز تاریخی و بررسی آنها پرداخته شود.

۴. نظریه ایشان در اعجاز تاریخی

ایشان در ذیل عنوان «الاعجاز التاريخي»، ۶۹ مقاله آورده است که در آن مقالات، مصادیقی از آیاتی که دارای اعجاز تاریخی هستند را بیان نموده است می‌توان این مصادیق را در دسته بندی ذیل قرار داد.

یک. مصادیق قابل پذیرش

برخی از مصادیقی که ایشان به عنوان اعجاز تاریخی به شمار آورده، به نظر می‌رسد که قابل پذیرش است برای نمونه می‌توان به وجود اسم «هامان» در قرآن اشاره کرد. ایشان گویند: همه مورخان به اتفاق بر این باور رفته بودند که شخصی به نام هامان که دارای مکانی و موقعیت بالا در دستگاه سلطنت فرعون زمان موسی باشد، وجود نداشته است از این رو بسیاری از مستشرقان به پیامبر اسلام توهین می‌کردند که ایشان مطالب قرآن را از تورات برگرفته و حتی خلط نموده است، نمونه روشن که بدان تمسک نموده و اسلام را به سخره می‌گرفتند؛ وجود شخصی به نام هامان در قرآن بود که در زمان فرعون می‌زیسته است. مستشرقان این‌گونه استدلال می‌کردند «یا این شخصی که قرآن از او به نام «هامان» یاد نموده، همان «هامان» وزیر خشایارشا است که در تورات به آن اشاره شده است^[۹] که صدها سال بعد از موسی و فرعون می‌زیسته است^[۱۰] یا شخص دیگری بوده که باید مورخان از او سخن می‌گفتند زیرا که ایشان بر اساس آیات قرآن دارای مکانی ویژه در دستگاه فرعون بوده^[۱۱] و از اشخاص مشهور و با نفوذ تاریخ است. حال اگر فرض اول درست باشد که در این صورت ثابت می‌شود که قرآن، دست‌ساخته و خودپرداخته حضرت محمد ﷺ است یا فرض دوم درست است که در این صورت باید نامی از او در کتاب‌های تاریخی می‌آمد که نیامدن نام چنین شخص، دلیل بر نبودن او در تاریخ است (www.elnaggarzr.com/pg/2206/.html).^[۱۲]

این استدلال گزنده مستشرقان، علیه اسلام و مسلمانان ادامه داشت تا این‌که مورس بوکای از این زاویه به این بحث توجه کرد او معتقد بود که هامان در زمان حضرت موسی ﷺ می‌زیسته و بهترین منبع برای شناسایی وی و بررسی نام او را یک متخصص در زبان و خط باستانی مصر، هیروگلیف^[۱۳] می‌دانست. او رایزنی خود را با یکی از برجسته‌ترین مصرشناسان فرانسوی که با زبان عربی قدیم نیز آشنا بوده، چنین شرح می‌دهد: «من کلمه هامان را با همان نگارش

قرآنی کپی کرده و به وی نشان دادم و به او گفتم که این کلمه از یک جمله، در متنی مربوط به قرن هفتم میلادی گرفته شده و جمله مربوط به شخصی است که با تاریخ مصر مرتبط بوده است. او به من گفت که در چنین حالتی او این کلمه را نویسه‌گردانی [نقل عین تلفظ کلمه یا عبارتی از زبانی به زبان دیگر] اسمی هیروگلیفی می‌داند، اما در عین حال مطمئن است که متنی مربوط به قرن هفتم میلادی نمی‌تواند حاوی اسمی به زبان هیروگلیف باشد؛ چون در آن زمان، زبان و خط هیروگلیف کاملاً از بین رفته بوده است. او به منظور تأیید استنتاج خود به من پیشنهاد کرد تا به لغت‌نامه اسامی اشخاص در پادشاهی نوین مصر (نوشته هرمن رنک (Herman Rank)) مراجعه کنم که ممکن است این اسم را به نگارش هیروگلیف پیدا کنم. من تمام آنچه را آن متخصص احتمال داده بود پیدا کردم و نویسه‌گردانی هامان را به زبان آلمانی در آن فرهنگ یافتم و هم‌چنین از این‌که شغل او را نیز یافتم متحیر شدم: فرمانده کارگران در معادن سنگ؛ دقیقاً مطابق آنچه از دستور فرعون به او در قرآن برداشت می‌شود (ر.ک: غافر/۳۶؛ قصص/۳۸) هنگامی که من تصویر صفحه مربوط از فرهنگ اسامی مصری در مورد هامان را با صفحه‌ای از قرآن که در آن نام هامان آمده به کارشناس فرانسوی نشان دادم، او هیچ حرفی برای گفتن نداشت (M. Bucaille, Moses and Pharaoh: The Hebrews In Egypt, p. 192).

به نقل از: شاکر و فیاض، «هامان و ادعای خطای تاریخی قرآن!»، ۱۳۸۹: ۱۵۶.

آری آوردن نامی در تاریخ که هیچ‌یک از مورخان از آن اطلاعی نداشته باشند با وجود این‌که صاحب نام از افراد قدرتمند تاریخ است و کشف نام او با تأیید جزئیاتی که قرآن نسبت به او آورده، پس از گذشت تقریباً هزار و چهارصد سال معجزه‌ای تاریخی است که هیچ‌کس نمی‌تواند مانند آن را بیاورد. کسی نمی‌تواند نسبت به خطی که هنوز رمزگشایی نشده، مطلبی مهم به شکل قطعی در گذر تاریخ بگوید که هیچ مورخی آن را متذکر نشده باشد و صدها سال بعد که آن خط رمزگشایی شد آن مطلب دقیقاً همسو با یافته‌های تاریخی آن خط باشد (برای دیدن مصادیق بیشتر ر.ک: www.elnagarzr.com/pg).

دو. مصادیق نقدپذیر

برخی از مصادیقی که در ۶۹ مقاله دکتر زغلول نجار ذیل عنوان اعجاز تاریخی آورده شده است؛ نقدپذیر است که پاره‌ای از این موارد را خود ایشان نپذیرفته و برخی از منظر نگارنده قابل پذیرش نیست شایسته است که به نمونه‌ای از هر کدام اشاره شود.

به هر حال ایشان بر این باورند که ارتباطی بین کوه «جودی» قرآن با کوه «آارات» وجود ندارد و از آن رو که این مسئله‌ای اختلافی است و دشتستان مقاله اجازه پرداختن تفصیلی به آن را نمی‌دهد^[۱۴] این مسأله را باید در جایی دیگر جست و جو نمود، آنچه مهم است، این که برخی از مقالات ایشان که در ذیل عنوان «الاعجاز التاريخی» قرار گرفته، به نظر خود ایشان ارتباطی بین گزاره‌های قرآنی با یافته‌های علمی وجود ندارد.

برخی نمونه‌هایی که دکتر زغلول به عنوان اعجاز تاریخی مطرح نموده، از منظر نگارنده مورد پذیرش نیست برای نمونه ایشان بر این باور است که قرآن از آن جهت که نام سه تن از انبیاء (آدم، نوح و ادریس) را در قرآن آورده، معجزه است و برای اثبات این ادعا می‌گوید: «گستره تاریخ بدون بشریت به حدود ده هزار سال قبل برمی‌گردد در حالیکه وجود انسان بر کره زمین به حدود ۴۰۰۰۰ سال پیش برمی‌گردد. معلومات ما نسبت به این فترت قبل از تاریخ (یعنی ۳۰۰۰۰ هزار سال اول) تنها از وحی الهی است و به جهت این که تنها وحی الهی که محفوظ مانده و در دست مردم است قرآن کریم است. بنابراین فقط قرآن یگانه مرجع ما برای اطلاعات این دوره محسوب می‌شود. قرآن کریم ما را از وجود سه تن از پیامبران در این مدت طولانی در تاریخ انسان با خبر می‌سازد که نام‌هایشان آدم، ادریس و نوح است اشاره قرآن کریم به این سه پیامبر، یکی از ابعاد معجزه خبری و تاریخی قرآن به شمار می‌رود که این خود، گواه بر این مطلب است که امکان ندارد که قرآن ساخته بشر باشد» (www.elnaggarzr.com/pg/2975/.html).

از موارد دیگری که صرف بردن نام کسی را ایشان دلیل بر اعجاز تاریخی قرآن می‌داند می‌توان به حضرت لقمان اشاره کرد. در آنجا که در ذیل آیه ۱۲ سوره لقمان گوید: «این سوره به این نام (یعنی لقمان)، نام‌گذاری شده است از این رو در این سوره دو بار به نام این عبد صالح اشاره شده است. او شخصیتی است که مورخان هیچ چیز درباره او نمی‌دانند و به همین دلیل، یاد قرآن از او، بُعدی از ابعاد اعجاز خبری و تاریخی قرآن محسوب می‌شود» (www.elnaggarzr.com/pg/2772/ html).

البته مراد جدی ایشان درباره این که مورخان هیچ چیز درباره لقمان نگفته‌اند، کتب عهدین است از این رو که در ادامه سخنانی از ابن کثیر در کتاب البدایه و النهایه آورده و تصریح کرده که در کتب عهدین سخنی درباره ایشان نیامده است (Ibid).

در نقد شمردن این مورد از مصادیق اعجاز تاریخی باید گفت اول این که اگر صرف آمدن نام این سه پیامبر در قرآن از وجوه اعجاز به شمار می‌رود؛ باید گفت که نام‌های این پیامبران به وفور در تورات و انجیل فعلی آمده است همان‌گونه که خود در جایی دیگر تصریح می‌کند که نام نوح و طوفان او با ذکر جزئیات در اصحاح شش تا نه سفر تکوین تورات آمده است (www.elnaggarzr.com/pg/12/.html). که در صورت وجود دیگر شرایط، آن مطلب علمی را باید شگفتی قرآنی بدانیم نه اعجاز علمی (رضایی اصفهانی، «چیستی و چالش‌های اعجاز علمی قرآن»، ۱۳۸۹: ۳۳) دوم آن که باید در این سبقت‌گیری، معجزه‌ای صورت گیرد یعنی خرق سُننی اتفاق افتد (www.elnaggarzr.com/pg/346/.html) در حالی که به نظر می‌رسد دیگران از آوردن مانند اینها ناتوان نیستند مثلاً دیگران از آوردن نامی مانند حضرت صالح که پیامبر قوم ثمود بوده، ناتوانند که نیامدن سخنی از ایشان در اسفار پنجگانه یهود را دلیلی بر معجزه بودن قرآن دانسته است؟! (www.elnaggarzr.com/pg/376/.html) سوم این که در ثابت شدن این گزاره توسط علوم تجربی اختلاف نظر است برخی بر این باورند که در کتیبه‌های قدیمی نام برخی از این انبیا آمده (<http://organon.blogfa.com/post/94>) و برخی منکر آن هستند (<http://www.askdin.com/showthread.php?t=25037>) و هنوز یک حقیقت پذیرفته شده قطعی نشده است.^[۱۵]

سه. مصادیق قابل تردید

پاره‌ای از مصادیقی را که ایشان برای اعجاز تاریخی بیان می‌کنند، هر چند نمی‌توان آنها را با ادله محکم رد نمود لیک به خاطر ثابت نشدن مقدمات آن یا اختلافی بودن برخی از آنها می‌توان در آنها تردید کرد برای نمونه ایشان با ذکر مقدماتی ادعای اعجاز تاریخی در آیه یازده حاقه دارد^[۱۶] که عبارتند از: یک - علم وراثت در قرن بیستم ثابت کرده است که نسل تمام بشرهای امروز به حضرت نوح و کسانی برمی‌گردد که خداوند آنها را در کشتی نوح حمل کرده است (www.elnaggarzr.com/pg/35/.html) (www.elnaggarzr.com/pg/220/.html) دوم - ضمیر «کم» در آیه بالا، به ذریه نوح و ذریه کسانی برمی‌گردد که در کشتی همراه نوح بودند (www.elnaggarzr.com/pg/35/.html)، سوم - هر چند که طوفان نوح تمام جهان را دربرنگرفته، ولی تمام بشریت در آن زمان در منطقه‌ای بین جنوب ترکیه تا بین دو نهر دجله و فرات زندگی می‌کرده‌اند (www.elnaggarzr.com/pg/12/.html).

از آیاتی که به مدد مقدمه دوم می‌آید و ایشان در جایی دیگر از آن استفاده نموده است (www.elnagarzr.com/pg/220/.html)، آیه «وَأَيُّ لَهْمٍ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِكِ الْمَشْحُونِ» (یس/ ۴۱)؛ «نشانه‌ای (دیگر از عظمت پروردگار) برای آنان است که ما فرزندانمان را در کشتی‌هایی پر (از وسایل و بارها) حمل کردیم» است که ضمیر «هم» در «لهم» به «العباد» یعنی جمع محلی به «ال» در آیه ۳۰ یس «يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ...» برمی‌گردد.

البته در هر یک از مقدمات بالا می‌شود تردید کرد. اول - اگر ما بپذیریم که علم ژنتیک امروز می‌تواند ثابت کند که مثلاً فلان شخص، فرزند حضرت نوح یا یکی از مومنانی است که در کشتی نوح حاضر بوده‌اند ولی برای اثبات این مهم، ملزوماتی نیاز هست که به آسانی به دست نمی‌آید، یکی از آنها این است که حداقل باید به اندازه تار مویی از جسد حضرت نوح و آن مومنان در دسترس باشد که قابلیت سنجش وجود داشته باشد لیک با گذشتن چند هزار سال هیچ اثری از پیکر آنان باقی نمانده است. دو - اگر فرض کنیم که به اندازه یک کر موزم از تک تک آنها باقی مانده، باید تمام کر موزهای هفت میلیارد انسان را با آن کر موزها بسنجند تا ثابت شود که همه انسان‌ها، ذریه نوح و آن مومنان هستند که به طور طبیعی این کار غیرممکن است هر چند ممکن با کمک رایانه کاری شدنی باشد. اما درباره مقدمه دوم باید گفت اختلاف نظر درباره فهم ضمیر «کم» در «حملناکم» وجود دارد.^[۱۷] که تنها طبق یک دیدگاه، مراد از آن ذریه نوح و ذریه مومنان همراه نوح است.^[۱۸] هر چند دیگر دیدگاه‌ها را نیز می‌توان به گونه‌ای توجیه نمود که شامل ذریه هم شود ولی به هر حال مراد مستقیم «کم» در «حملناکم»، ذریه نوح و مومنان در کشتی نیست. درباره مقدمه سوم به همین مطلب بسنده می‌شود که درباره این که طوفان نوح جهانی بوده یا منطقه‌ای، اختلاف نظر است^[۱۹] و محقق نباید نظریه‌ای را که محل اختلاف است؛ برای مباحث خود مسلم فرض کرده و براساس آن استدلال نماید.^[۲۰]

۲۴۴ نتیجه

۱. بیشتر کتاب‌ها و مقالاتی که دکتر زغلول النجار نگاشته، رنگ و بوی قرآنی به شکل عام و برجسته کردن مباحث علمی به ویژه اعجاز علمی قرآن به شکل خاص دارد.

۲. ایشان مانند هر مفسری تعریفی از اعجاز علمی قرآن دارند و در تفسیر قرآن، دارای مبانی عام و خاص هستند و در تفسیر علمی و اعجاز علمی قرآن ضوابطی را باور دارند.

۳. ایشان در ذیل عنوان «الاعجاز التاريخي» در سایتشان هر چند ۶۹ مقاله آورده‌اند لیک برخی از این مصادیق از منظر خودشان هم پذیرفته نیست و به نظر می‌رسد که مصادیقی را هم که پذیرفته‌اند باید به سه بخش مصادیق قابل پذیرش؛ مصادیق نقدپذیر و مصادیق قابل تردید تقسیم نمود.

پی‌نوشت‌ها

[۱] جامعة الملك سعود در سال ۱۹۵۷ میلادی افتتاح شده است (www.almsal.com/post/368609) می‌توان حدس زد که مراحل استخدامی زغلول النجار برای این دانشگاه در سال ۱۹۵۸ میلادی به اتمام می‌رسد. زیرا در ۱۹۴۶ ایشان از دانشکده شیرا فارغ التحصیل می‌شود و سپس درجه کارشناسی را در رشته زمین‌شناسی می‌گیرد که به طور طبیعی ۴ سال طول می‌کشد و بعد از آن دو سال در معادن فسفات در دره نیل، یکسال در دانشگاه «عین شمس» و پنج سال در پروژه معادن زغال سنگ در شبه جزیره سینا مشغول است و سپس مراحل استخدامی اش تمام می‌گردد (ر.ک: سایت وكالة الأنباء القرآنية الدولية، عنوان «بالصور.. فی يوم ميلاد «النجار»... مسيرة عامرة بإعجازات القرآن العلمية»).

[۲] گفتنی است که این آمار بر این اساس است که اول کتاب‌هایی که دارای چند جلد است یک عنوان محسوب شده است. دوم عنوان‌های مطلق و مقید یکی محسوب شده‌اند به عنوان نمونه سه کتاب به نام‌های «من آیات الاعجاز العلمي فی القرآن (الجزء الاول)»، «من آیات الاعجاز العلمي فی القرآن (الجزء الثاني)»، «من آیات الاعجاز العلمي فی القرآن» در سایت ایشان موجود است که ظاهراً یک کتاب است. و سوم کتاب‌هایی که به عنوان «حقیقة المسيح» از یک تا چهارده تیر خورده، ظاهراً درس‌نامه‌ها و فصول متعدد کتاب «المسیح بین القرآن و الانجیل» است.

[۳] این عدد با دیدن تمام مقالات و برشماری آنها به دست آمد.

[۴] در تعداد کمی از این مقالات، دو یا سه یا چهار و به بالا موضوع مقاله قرار می‌گیرد البته این نکته باید خاطرنشان شود که در همان مقالاتی هم که بیش از یک آیه محل بحث قرار می‌گیرد؛ آن آیات حول یک موضوع واحد می‌چرخند. مانند: «خانه کعبه» در آیات ۹۶ و ۹۷ آل عمران، باران در آیات ۷۰-۶۸ الواقعة؛ «خلقت انسان از آبی پست» در آیات ۲۳-۲۰ و... و... و...

[۵] «یا ایها الذین کتب علیکم الصیام» در عنوان ۴ مقاله؛ «الاتصره فقد نصره الله» در عنوان ۴ مقاله؛ «﴿شهر رمضان الذی انزل...﴾» در عنوان ۲ مقاله و... است شایان یادآوری است که تعداد این موارد به ده عنوان نمی‌رسد.

[۶] البته این سخن به این معنا نیست که ایشان معترف به تناقض درونی قرآن است ولی چون نگارنده کلام صریحی از ایشان در این باره نیافت از این رو این مبنا را به ایشان منتسب نمود.

[۷] برخی این مبانی خاص را برشمرده‌اند: ر.ک: شادی نفیسی، «مبانی اختصاصی تفسیر علمی قرآن کریم»، ۱۳۹۵: ۱۴۹-۱۶۹؛ رضایی اصفهانی، علوم قرآن ۲ اعجاز قرآن در علوم طبیعی و انسانی، ۱۳۹۲: ۲۱۳.

[۸] گفتنی است که ایشان نسبت به ضابطه اول و دوم یک استثنا می‌زند و آن این است که مفسر می‌تواند در تفسیر و فهم اشارات علمی قرآن از آن دسته از معارف علمی بهره برد که هنوز به سطح واقعیت‌های ثابت شده ترقی ننموده است. مانند این که دانشمندان تجربی نسبت به یک نظریه اجماع دارند و از برای آن شواهدی نیز ارائه می‌دهند، هر چند که این نظریه هنوز به مرتبه قانون و قاعده صعود ننموده است. نمونه‌های آن در قلمرو آن تئوری‌هایی مطرح است که راهیابی دانشمندان تجربی به حقیقت آن ممکن نیست هر چند که شواهدی بر درستی نظریه‌شان وجود داشته و دانش تجربی باید معترف باشد که به این زودی‌ها از این مرحله از فهم عبور نمی‌کند. مانند بسیاری از فرضیه‌هایی که اصل هستی یا اصل حیات و اصل انسان را تفسیر می‌کنند که این فرضیه‌های گونه‌گون در این محدوده از مراحل متعددی گذر کرده است تا این که امروزه به تعداد اندکی از نظریات مورد پذیرش منتهی گشته‌اند و پنداره عالمان تجربی این است که به این زودی‌ها به نظریه‌ای جدید یا تطور نظریات فعلی نخواهند رسید ضمناً معترفند که به قانون قطعی یا قاعده ثابت در این راستا هم نخواهند رسید

(www.elnagarzr.com/pg/394/.html).

[۹] هامان یکی از شخصیت‌های کتاب اِستِراست کتاب اِستِراست، هفدهمین کتاب از کتب کتاب مقدس است که یکی از شخصیت‌های پر رنگ آن، هامان رئیس الوزرای خشایارشا - چهارمین شاه هخامنشی ایران - است (ر.ک: کتاب مقدس، بی‌تا: کتاب اِستِراست، فصل ۳، باب «توطئه هامان»، آیه ۱، ۲، ۴، ۵-۸، ۱۰-۱۲ و ۱۵؛ باب «درخواست کمک از استرا»، آیه ۷؛ باب «درخواست استرا از پادشاه»، آیه ۴، ۵، ۱۲-۸ و ۱۴؛ باب «تکریم مردخای»، ۷-۴ و ۱۴-۱۰؛ باب «اعدام هامان»، آیه ۱ و ۱۰-۶؛ باب «ابطال حکم هامان»، آیه ۳-۱، ۵ و ۷؛ باب «استیلا یهودیان بر دشمنان»، آیه ۱۰، ۱۴-۱۲ و ۲۴).

[۱۰] حوادث کتاب اِستِراست مربوط به حدود ۶۵۰ سال پس از زمان فرعون است زیرا تاریخ نوع انسانی بیش از ۷۰۰۰ سال نیست (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰: ۱۳۹/۴) و حضرت موسی هم ۳۷۴۸ سال بعد از هبوط آدم علیه السلام به زمین، به دنیا آمده است (<http://shamimequran.blogfa.com/post-578.aspx>) و به روایت شیخ صدوق، ایشان ۱۲۶ سال هم زندگی نموده است (صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ۱۳۹۵: ۵۲۴/۲) بنابراین حضرت موسی علیه السلام متوفی ۱۱۲۶ قبل از میلاد است و از تاریخ می‌دانیم که خشایارشا که هامان رئیس الوزرای او بوده متوفی، ۴۸۶ سال قبل از میلاد است (اذکایی، فهرست ما قبل الفهرست (آثار ایرانی پیش از اسلام)، ۱۳۷۵: ۱۵۰) بنابراین بین هامانی که در زمان حضرت موسی زندگی می‌نموده و هامانی که در زمان خشایارشا بوده حدوداً، ۶۵۰ سال فاصله زمانی وجود داشته است. نه ۱۱۰۰ سال که برخی تخمین زده‌اند (شاکر و فیاض، «مقاله هامان و ادعای خطای تاریخی قرآن!»، ۱۳۸۹: ۱۴۹).

[۱۱] ر.ک: به آیات قصص/۳۸ و غافر/۳۶ در این آیات فرعون شخصا به هامان دستور ساختن بنای بسیار بلندی را می‌دهد (که طبق برخی تواریخ آمده که هامان، پنجاه‌هزار بنا، کارگر، آهنگر و غیره را برای ساختن آن جمع کرد این افراد جدای از اتباع و مزدوران بودند (ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۸: ۱۳۶/۱۵) ایشان آن قدر قدرتمند بوده که طبق آیات قرآن (قصص/۶ و ۸)، احتمالاً لشکری مجزای از لشکر فرعون داشته است که مخصوص خود او بوده‌اند (آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ۱۴۱۵: ۱۰/۲۵۵).

[۱۲] درباره ناستواری استدلال مستشرقان؛ ر.ک: شاکر و فیاض، «هامان و ادعای خطای تاریخی قرآن!»، ۱۳۸۹: سراسر.

[۱۳] خط هیروگلیف مصری، اولین خط مصریان جهت نوشتن است. پیشینه کهن‌ترین اثر یافته شده با این خط هیروگلیف، به ۳۲۰۰ تا ۳۳۰۰ پیش از میلاد برمی‌گردد و براساس اسناد این خط بیش از ۳۵۰۰ سال توسط مصریان استفاده می‌شده است. (ر.ک: به سایت دانشنامه رشد، عنوان «روش نگارش هیروگلیف») لیک خط هیروگلیف به مرور زمان به فراموشی سپرده شد و تا صدها سال، هیچ کس توانایی خواندن این خطوط حک شده بر معابد و آرامگاه فراعنه را نداشت. تا این که افرادی ناخواسته و اتفاقی کلید ورود به دنیای مصر باستان را کشف کردند. در سال ۱۷۹۸ ناپلئون بناپارت به مصر لشکر کشید. یک سال بعد از آن، سربازان ارتش فرانسه به هنگام حفر یک سنگر برای مقابله با نیروهای انگلیسی در روستای رُزتا - الرشید کنونی - سنگ سیاه بزرگی را پیدا کردند و آن را «سنگ رُزتا» نامیدند روی این سنگ متن یکسانی با سه خط هیروگلیف، دموتیک و یونانی حک شده بود. با ترجمه متن شناخته شده یونانی مشخص شد که این سنگ ۲۲۰۰ سال قدمت دارد. با استفاده از این سنگ بود که مصرشناس برجسته فرانسوی، ژان فرانسوا شامپولین (۱۸۳۲-۱۷۹۰م) توانست خط هیروگلیف را رمزگشایی کند (ر.ک: سایت جام جم آنلاین، عنوان «شامپولین راز هیروگلیف را کشف کرد») و از آن پس، امکان ترجمه متون دیگر هیروگلیف نیز فراهم گردید بنابر این می‌توان گفت که کتیبه سنگی روزتا، شاه کلید کشف رمز خط هیروگلیف شد.

[۱۴] برخی در این راستا دست به نگارش تک‌نگاری زده‌اند
(www.cgie.org.ir/fa/publication/entryview/2204)

[۱۵] برای دیدن مصادیق بیشتری که قابل خدشه به نظر می‌رسد ر.ک: آیات ۱۳۳ اعراف (www.elnaggarzr.com/pg/331) و آیه ۲۶ سوره حج (www.elnaggarzr.com/pg/2186)، برخی از مصادیقی که ایشان به عنوان اعجاز تاریخی مطرح نمودند باید به عنوان شگفتی تاریخی دانست برای نمونه کروییت زمین (www.elnaggarzr.com/pg/2444)، «بحر المیت»، پایین‌ترین و گودترین منطقه روی زمین است (www.elnaggarzr.com/pg/51/).

[۱۶] ﴿إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ﴾؛ «و هنگامی که آب طغیان کرد، ما شما را

سوار بر کشتی کردیم».

[۱۷] حداقل سه نظر وجود دارد که آیا مراد از «کم»، آیا «آبائکم فی الجاریة» است (واحدی، الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ۱۴۱۵: ۱۱۲۷/۲) که همان «آبائکم المومنین فی سفینة نوح» می باشد (مغنیه، التفسیر الکاشف، ۱۴۲۴: ۴۰۳/۷) یا مراد از «کم»، «آبائکم و انتم فی اصلا بهم فی السفینة الجاریة» (طبرانی، التفسیر الکبیر، تفسیر القرآن العظیم، ۲۰۰۸: ۳۳۶/۶؛ فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ۱۴۱۵: ۲۱۸/۵) و یا مراد از «کم»، «آبائکم نوحا و من معه الذین من ذریتهم» می باشد (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۹۷/۱۰).

[۱۸] دیدگاهی که گوید: مراد از «کم»، «آبائکم و انتم فی اصلا بهم فی السفینة الجاریة» (طبرانی، التفسیر الکبیر، تفسیر القرآن العظیم، ۲۰۰۸: ۳۳۶/۶؛ فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ۱۴۱۵: ۲۱۸/۵).

[۱۹] به این اختلاف برخی اشاره نمودند (ر.ک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱۰۲/۹-۱۰۳) از طرف داران جهانی بودن طوفان نوح می توان به محمد حسین طباطبایی (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰: ۲۶۶/۱۰) و از منکران به محمد هادی معرفت اشاره کرد (معرفت، شبهات و ردود حول القرآن، ۱۴۲۳: ۳۲).

[۲۰] برای دیدن نمونه های بیشتر ر.ک: مطالب ایشان در ذیل آیه های ۱۱ و ۱۸ سوره کهف (www.elnaggarzr.com/pg/346/.html)، آیه ۸ سوره توبه (www.elnaggarzr.com/pg/370/.html)، آیه ۱۸ سوره زخرف (www.elnaggarzr.com/pg/1585/.html)، آیه ۴۳ سوره یوسف (www.elnaggarzr.com/pg/2016/.html) و آیه ۷۸ سوره حجر (www.elnaggarzr.com/pg/2165/.html).

منابع

۱. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۶ق.
۲. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
۳. اذکابی، پرویز، فهرست ما قبل الفهرست (آثار ایرانی پیش از اسلام)، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ش.
۴. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۵ق.
۵. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، اعداد: محمد عبدالرحمن مرعشلی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۶. رضایی اصفهانی، محمد علی، «چیستی و چالش‌های اعجاز علمی قرآن»، قرآن و علم، سال چهارم، شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
۷. رضایی اصفهانی، محمد علی، علوم قرآن ۲ اعجاز قرآن در علوم طبیعی و انسانی، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ص، چاپ دوم، ۱۳۹۲ش.
۸. سخی، مژگان و منصور، پهلوان، «بررسی مبانی تفسیر قرآن کریم از دیدگاه امام محمد باقر علیه السلام»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال چهل و پنجم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱ش.

۹. شاکر، محمد کاظم و فیاض، محمد سعید، «هامان و ادعای خطای تاریخی قرآن!»، قرآن شناخت، سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۹ش.
۱۰. شعرانی، ابوالحسن، پژوهش‌های قرآنی علامه شعرانی در تفاسیر مجمع البیان، روح الجنان و منهج الصادقین، محقق: محمد رضا غیائی کرمانی، قم: بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش.
۱۱. شوکانی، محمد، فتح القدير، دمشق: دار ابن کثیر، ۱۴۱۴ق.
۱۲. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.
۱۴. طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم، اردن - اربد: دار الكتاب الثقافی، ۲۰۰۸م.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: فضل الله یزدی طباطبایی، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۱۶. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مصحح: احمد حبیب عاملی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۱۸. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ق.

۱۹. فیض کاشانی، محمد، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
 ۲۰. کتاب مقدس، سفر پیدایش، ترجمه قدیم، از نرم افزار مژده مخصوص کتاب مقدس.
 بی تا.

۲۱. مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، قاهره: دار الحدیث، ۱۴۱۲ق.
 ۲۲. معرفت، محمدهادی، شبهات وردود حول القرآن، قم: موسسه التمهید، ۱۴۲۳ق.
 ۲۳. مغنیه، محمدجواد، التفسیر الکاشف، قم: دار الکتب الإسلامی، ۱۴۲۴ق.
 ۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ دهم،
 ۱۳۷۱ش.

۲۵. نفیسی، شادی، «مبانی اختصاصی تفسیر علمی قرآن کریم»، پژوهشنامه تفسیر و زبان
 قرآن، سال پنجم، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.

۲۶. واحدی، علی بن احمد، الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۵ق.

۲۷. همت باری، علی و ناظمی، میثم، «بررسی و تحلیل پژوهش های اعجاز تربیتی قرآن»،

قرآن و علم، شماره ۱۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۵ش.

28. www.organon.blogfa.com.
29. www.mawdoo3.com
30. www.shamimequran.blogfa.com
31. www.jamejamonline.ir.
32. www.daneshnameh.roshd.ir.
33. www.iqna.ir/ar
34. www.askdin.com.
35. www.elnaggarzr.com
36. www.almrsal.com
37. www.cgie.org.ir